

پیروزی‌ها در مسابقات و بازی‌های جهانی، بهانه خوبی برای رقم خوردن شادی جمعی برای مردم یک جامعه است. در همین چهارچوب پیروزی ایران مقابل ژاپن نیز یکی از همین بهانه‌ها برای رقم خوردن شادی جمعی در جامعه ایرانی بود. با این حال اما این پیروزی و شادی که در جامعه ایرانی ایجاد شد، ناخودآگاه اذهان را سمت بازی‌های ایران در جام جهانی و اتفاقاتی برد که در حاشیه بازی‌های تیم ملی ایران اتفاق افتاد. در میانه جام جهانی قطر تلاش‌های رسانه‌های برانداز و چهره‌های آن مشخصاً روی این امر متمرکز شده بود که اساساً چیزی تحت عنوان تیم ملی وجود ندارد و این تیم وابسته به نظام حکمرانی است. بر این اساس و در راستای همین پروژه تلاش شد تا فضایی ایجاد شود که حتی مردم

ایران نتوانند از پیروزی تیم ملی خود اظهار خوشحالی کنند. علاوه بر این در نقطه مقابل حتی از باخت این تیم نیز اظهار خوشحالی می‌کردند، شرایطی که حتی بازیکنان تیم ملی را به‌لحاظ روحی تحت فشار قرار داده بود. چیزی که به وضوح و به بهانه ناآرامی‌ها در جریان بازی‌ها در جام جهانی خود را نشان می‌دهد، تلاش برای از میان بردن امر ملی یا به فراموشی سپردن چیزی تحت عنوان شادی جمعی مردم ایران بود. اقداماتی که اگرچه آسیب قابل توجهی به جامعه ایران وارد کرد، اما با گذر از اتفاقات و بازگشت جامعه به شرایط عادی خود و رقم خوردن دوباره این شادی جمعی مشخص شد، این فضاسازی‌ها همچنان در سطح باقی مانده و به عمق جامعه نفوذ نکرده و همچنان شادی برای برد تیم ملی ایران، امری

مصطفی غفاری، جامعه‌شناس درگفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

فوتبال؛ فرصت بازیابی امر ملی



علی ملکی خبرنگار گروه نقد روز

ناآرامی‌های سال گذشته با مسابقات جام جهانی فوتبال در قطر همراه شد و موج دو قطبی‌ها و اختلافات ناشی از آن به سکوهای هواداری تیم ملی هم رسید. این امر تا جایی ادامه پیدا کرد که حتی عده‌ای از باخت تیم ملی مقابل تیم رقیب، ابراز شادی می‌کردند. بعد از گذشت یک‌سال از اتفاقات جام جهانی و ناآرامی‌ها، نوبت به جام ملت‌های آسیا در قطر رسید. همان ایران، همان تیم، همان مردم و همان قطر. اما یک تفاوت اساسی وجود داشت. تفاوتی که شکل‌گرفتنش، محور اصلی مباحث و گفت‌وگوها طی این سال‌های اخیر است و آن هم اهمیت امر ملی در جریان این اتفاقات است. سوال این است که چه اتفاقی باعث شد ایران از جام جهانی قطر به جام ملت‌های قطر برسد؟ برای تحلیل شرایط جامعه در اتفاقات سال گذشته و اسامال با مصطفی غفاری، جامعه‌شناس گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■

پروژه جنگ شناختی دشمن در سال گذشته، به مرحله‌ای رسید که درست مقابل امر ملی قرار گرفت

غفاری ابتدا با اشاره به جام جهانی سال گذشته و اتفاقاتی که در جریان فضاسازی رسانه‌های برانداز اتفاق افتاد، گفت: «من فکر می‌کنم برگزاری جام جهانی در سال گذشته، یک نقطه عطف در ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ بود. چون فارغ از مطالبات و اعتراضات مردمی، پروژه جنگ شناختی دشمن یا شورش کور خیابانی به نقطه‌ای رسید که درست در نقطه مقابل «امر ملی» قرار گرفت. وقتی تیم ملی کشوری آن هم در ورزش محبوبی مثل فوتبال در ایران در عرصه جهانی حضور پیدا می‌کند، مردم به‌طور طبیعی برد و باخت آن را از آن خودشان می‌دانند. وقتی فشار رسانه‌ای روی این قرار می‌گیرد که این تیم، تیم فوتبال حکومت جمهوری اسلامی ایران است و به همین دلیل باید تشویق آن را تحریم کرد! طبیعاً عامه مردم آن را پس می‌زنند. شاید اقلیتی به دلیل هیجان زدگی آن را بپذیرند و برای باخت تیم ملی هم شادی کنند اما این رفتار در بین اکثریت ریشه‌دار و پایدار نمی‌شود.»

جام جهانی قطر دست مدعیان دلسوزی برای ملت ایران را رو کرد

غفاری در ادامه به این موضوع اشاره کرد اتفاقاتی که در جریان جام جهانی

فوتبال و فرصت دوباره ما شدن

است که نمی‌توان آن را از جامعه ایرانی جدا کرد. با این حال اما رسانه‌های فارسی‌زبان بعد از پیروزی تیم ملی تلاش کردند همچنان در نقش همیشگی خود بازی کنند، با این تفاوت که این بار دیگر گفته نمی‌شد این تیم مردم نیست، بلکه در نقطه مقابل قرار می‌گرفت و این گزاره را القا می‌کرد این پیروزی تنها از جانب فوتبالیست‌ها رقم خورده است تا در این بین نیز به‌نوعی شکاف‌های مدنظر خود را تشدید کند. امری که البته با اقبال چندانی در جامعه ایرانی همراه نشد. برای بررسی بیشتر ابعاد پیروزی تیم ملی فوتبال و کنش جامعه ایرانی در سال گذشته در مقایسه با اسامال با محمدحسین شهرستانی و مصطفی غفاری، دو جامعه‌شناس گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■

مصطفی غفاری، جامعه‌شناس درگفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

فوتبال؛ فرصت بازیابی امر ملی



بودن شان می‌زند، پرهیز می‌کنند. همچنان که ممکن است ریشه برخی نقد و مخالفت‌های مردم با رفتار نظام حکمرانی نیز همین است که چرا گاهی برخلاف اقتضات امر ملی سیاستگذاری یا اقدام می‌کند.»

فرصت بازیابی امر ملی را غنیمت بشمارید!

غفاری به این موضوع اشاره کرد جام ملت‌های آسیا، یک فرصت بی نظیر در اختیار ما قرار داده است و توضیح داد: نظام حکمرانی اگر خردمند و هوشمند باشد، می‌تواند ضمن تشخیص خطای خودش، از همین نقطه فرصت «بازیابی امر ملی» را غنیمت بشمارد. دقت کنیم در اینجاسه عامل کلیدی نقش آفرین هستند که از فوتبال جام ملت‌های آسیا یک فرصت بی نظیر می‌سازند. اولاً در اینجا با عامه مردم سرکار داریم، نه لزماً نمایندگان و تحلیلگران و نظریه پردازان. ثانیاً فضای شادی و سرگرمی و نشاط برقرار است. ثالثاً باخت و سواد قهرمانی مطرح است که می‌تواند احساس غرور یا به تعبیر بهتر اعتماد به نفس ملی را که چه بسا زخم‌هایی بر آن نشسته، احیا و ترمیم کند. فقط باید مراقبت کرد از این فرصت و از قهرمانی احتمالی استفاده روزمره سیاسی به نفع یک اقلیت یا جماعتی برای کوفتن بر سر هر منتقد و مخالف سیاسی ساخته نشود. اگر مداخله ناسنجیده و نابه‌جایی نکنیم، این فرآیند احیا و ترمیم تا حد زیادی خود به خود در دل جامعه رخ خواهد داد؛ ان‌شاءالله.»

■ ■ ■

محمدحسین شهرستانی، جامعه‌شناس درگفت‌وگو با «فرهیختگان» تاکید کرد

فوتبال به‌مثابه لولا و مفصل میان طبقات اجتماعی



زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

پیروزی ایران در بازی مقابل ژاپن در قالب امری که شاید برای مردم غیرقابل باور بود، خوشحال‌کننده بود اما این شادی جمعی یک نکته را نیز مورد توجه قرار می‌داد، اینکه در مدت زمان سال گذشته، همین شادی برای یک پیروزی نیز تبدیل به امر قبیعی شده بود که حتی برخی افراد در این فضا از شادی کردن، هراس داشتند. سوالی که وجود دارد این است که چه اتفاقی افتاده بود که تلاش می‌شد، پیروزی تیم ملی را تبدیل به امری دور از جامعه ایرانی کند. برای پاسخ به این سوال با محمدحسین شهرستانی، جامعه‌شناس گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■

خوشحالی کردن برای باخت تیم ملی رسیدن به یک پارادوکس بود

محمدحسین شهرستانی با اشاره به اینکه رسیدن به شرایط امروز و شادی کنونی ملت امر عجیبی نیست، گفت: «جامعه اکنون به حالت طبیعی خود بازگشته اما نه به‌صورت کامل. اگر بخواهیم نسبت به سال قبل بگوییم، بله این شادی بیشتر شده؛ اما طی سال‌های گذشته و در چنین مواقعی شادی‌های خیلی بیشتری داشتیم. وضعیت امروز نیاز به توضیح ندارد و حالت طبیعی جامعه ایران این است که تیم ملی پیروز می‌شود و مردم شادی می‌کنند. آنچه نیاز به توضیح بیشتر دارد، وقایع سال گذشته است. می‌دانیم شرایط اجتماعی و روانی به‌گونه‌ای حاکم بود که قسمتی از جامعه را در حبابی قرار داده بود و آن حباب باعث شده بود بخشی از جامعه ایرانی در یک موقعیت خاص واکنش‌های خاصی از خودش بروز دهد. همان‌طور که به خاطر داریم جماعت معترض شیشه‌های مراکز عمومی را می‌شکستند اما آنها برای این کارشان می‌توانستند توضیحی ارائه دهند. اما خوشحالی کردن برای باخت تیم ملی رسیدن به یک پارادوکس بود و توضیحی برایش نداشتند. بنابراین یک رفتار متناقض و توضیح‌ناپذیر بود و کسی که این رفتار را انجام می‌داد دچار پارادوکس می‌شد و در دلش از این باخت و شادی که انجام می‌داد ناراحت بود. مردم ایران بسیار عاطفی هستند. ما ملتی داریم که خاطرات مشترکی باهم دارند. این بازی‌ها وجه دراماتیک و جذابی پیدا کرده، حساسیت برانگیز شد و هیجانات ملی را تحریک کرده است. بنابراین جامعه واکنش طبیعی خودش را نشان می‌دهد. البته اگر بار سنگین حوادث سال قبل نبود، می‌توانستیم شاهد واکنش‌های بیشتری هم باشیم.»

بازسازی از مسیر عدالت یا فوتبال؟



پس ازآنکه ایران باتیم فوتبالی از یک کشور صنعتی بازی کرده و شکست می‌خورد برخی در فضای مجازی این شکست را ناشی از مدل توسعه کشور عنوان می‌کنند. چنین استدلالی باعث می‌شود تا گروه مقابل نیز بتوانند در زمان پیروزی از مدل توسعه کشور حماسه‌سرایی کرده و آن را توجیه کنند، حال‌آنکه مدل توسعه ربطی به بازی فوتبال ندارد و نمی‌توان با دستسازوی قرار دادن نتایج فوتبال آن را نقد یا در صورت پیروزی مدل توسعه را مدح کرد.

■ ■ ■

راه‌حل احیای سرمایه اجتماعی فوتبال نیست

فوتبال در ایران تبدیل به یک امر حیثیتی شده اما در این‌این‌گونه نیست و به‌عنوان امر سرگرمی تلقی می‌شود. ژاپن احتیاجی به این ندارد که از فوتبال برای احساس اقتدار ملی استفاده کند. کشورهای عربی هم فوتبال حیثیتی دارند و نگاه‌شان به آن سرگرمی نیست. علنش این است که در کشور ما و کشورهای عربی، سرمایه اجتماعی به شدت ضعیف است. سرمایه اجتماعی هم مشارکت همراه با خلاقیت است. یعنی کشورها باید راه‌هایی خلاقانه برای افزایش مشارکت مردم در بسترهای موجود خود کنند. کشورهای عربی یا امرینشین هستند یا پادشاهی و به شدت هم در حال نوسازی هستند که این ربطی به مردم ندارد و مربوط به اشراف است. اگر به خانه مردم عادی دردی بریود مثل مردم جنوب کشور خودمان است و مردم دبی فقط برای کار وسط شهر می‌روند. حتی در برخی مستندها دیده‌ام که اگر از دبی فاصله بگیرید به چادر نشین می‌رسید. در کشورها ما چه اتفاقی افتاد، وقتی اغتشاشی در یک کشور شکل بگیرد، سرمایه اجتماعی به شدت افت می‌کند و نتیجتاً به جای مشارکت همراه با خلاقیت تبدیل ویرانی به وجود می‌آید.

تقلید از مدل توسعه غرب عامل ریزش سرمایه اجتماعی است

این کاهش سرمایه اجتماعی به خاطر نوسازی آمرانه غربی، اتفاق افتاده است. الان هر دولتی در ایران از زمان هاشمی بعد از جنگ، نوسازی آمرانه را شروع کرد و بعد از آن ناآرامی شروع شد، مثل ناآرامی اسلامشهر و مشهد در زمان هاشمی، نوسازی آمرانه، سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی را نابود می‌کند. اینجاست که دیگر مشارکت وجود ندارد. خلاقیتی که باید مثبت باشد، و سازندگی ایجاد کند تبدیل به عامل ایجاد اغتشاش می‌شود. این روزها نمی‌شود، کشور را تنها با چند مسابقه فوتبال و موسیقی و اینها راضی کرد. ما الآن به وضعیت اقتصادی نیاز داریم که مردم در آن احساس مشارکت کنند.

مهم‌ترین ابزار احساس تحقق مشارکت اجتماعی عدالت است

در دوره شاه رشد اقتصاد ربطی به مشارکت عمومی نداشت، یعنی خلاقیت اجتماعی در آن نبود، برای چهار آدم پولساز بود و اقتصاد برای اینها بود. حتی اگر وضع اقتصادی مردم خوب باشد ولی مشارکت اجتماعی نباشد و سرمایه اجتماعی پایین باشد و مردم نتوانند در مشارکت اجتماعی خلاقیت داشته باشند، با مشکل مواجه می‌شویم. نکته اساسی این بود که قشر بازار در زمان شاه مشارکت اجتماعی نداشت، وضع اقتصادی هم مناسب بود اما در اقتصاد مشارکت نداشت و بیشتر اقتصاد در اختیار بهایی‌ها بود، خود به خود از ۱۵ خرداد امام به آن اشاره می‌کند و آن را می‌گوید، اینجا بود که انقلاب شروع شد. مهم‌ترین ابزار احساس تحقق مشارکت اجتماعی، عدالت است. مثلاً اگر در کشوری احساس تعلق مردم وجود دارد علنش عدالت است.

نوسازی آمرانه ملت را از دولت جدا می‌کند

اگر دولت و ملت تنها شد، دولت مورد توجه قرار گرفت و ملت رها شد، این مشکل‌ساز می‌شود در اروپا نیز این اتفاق افتاده بود که هرکس در اروپا راضی نمی‌شد به آمریکا می‌رفت؛ یکی از متفکران اروپایی گفته بود حالا که این کشور را زمنی خواهد، من هم این کشور را زمنی خواهم. الان مهاجرت یکی از موضوعات نگران‌کننده است. سال قبل ۱۱۰ هزار نخبه از ایران رفتند. مرکز مهاجرت بین‌المللی می‌گوید ایران وارد مهاجرت بدون کنترل شده است. اینها باید فکر کنند همه ملت از ملت‌شان بریده‌اند؟ خیر، یکی از مهم‌ترین چیزهایی که در نوسازی آمرانه به وجود می‌آید و غالباً با دیکتاتوری هم به میان می‌آید ایجاد شکاف بین دولت و ملت است.

نتیجه نوسازی آمرانه تورم است

در نتیجه نوسازی آمرانه یک دولت به شدت متحکم روی کار می‌آید، مثل دولت غریکرای روحانی، هاشمی رفسنجانی و شروع به بازسازی به روش غربی می‌کنند. تنها فرمولی که در این بعد اقتصادی در بازسازی آمرانه وجود دارد، تورم است. رشد بدون تورم معنی ندارد. تورم اوج می‌گیرد و همه مسائل اخلاقی و علمی دچار فروپاشی می‌شود چیزی که در سال گذشته اتفاق افتاد به همین خاطر بود. و باعث شد ملت ضعیف بشود. اگر ملت ضعیف شود دولت هم ضعیف می‌شود. چیزی که باعث می‌شود ارزش‌های معنوی جامعه از بین برود و مشارکت اجتماعی از بین برود، این است که فقط روی علوم تجربی تاکید شود و تا جایی پیش برویم که ارزش‌های علوم تجربی را در جامعه حاکم کنیم.

فوتبال را باید به یک امر علمی تبدیل کنیم

باید فرآیندی فکر کنیم. ایران لحظه به لحظه متفکر تولید می‌کند. تعداد افراد صاحب اندیشه همچنان در حال افزایش است. در چنین فضایی تیم فوتبال و هویت ملی معنادار می‌شود. می‌جنگد و می‌خواهد سهم خودش را در تولید سرمایه اجتماعی انجام ایجاد کند. مشکلی که در فوتبال ما وجود دارد این است که مسئولان هنوز باور نکرده‌اند فوتبال یک موضوع آماتور نیست و حره‌ای است. به عنوان مثال فوتبال باشگاهی ما باید با فوتبال ملی متفاوت باشد. بازیکنانی که در خارج از کشور و با سستین بالاکار می‌کنند باید عرصه را به جوانان خلاق دهند. باور دارم تعداد زیادی از جوانان در ایران می‌توانند سبک‌های جدیدی در فوتبال ملی ایجاد کنند و همین باعث افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود. به عقیده من فوتبال را باید تبدیل به یک امر علمی کنیم. من ندیده‌ام کسی اعلام کند مکتب فوتبال ایرانی قدرت‌گراست یا سرعت‌گرا! اینها مساله مهمی است. اما کسی در مورد آن حرف نمی‌زند. در دولت قبل بومی‌گرایی نداشتیم و مشارکت کم بود. در این دوره اما بومی‌گرایی رشد کرده و دولت به فکر بازسازی آن چیزی است که از قبل وجود داشته است.